



قدم قدم تا بهشت

ویژه نامه کودک و نوجوان اربعین ۱۴۴۵



حیاتنا
حیات



سوره الفاتحه



مجله قدم قدم تا بهشت ویژه نامه اربعین

ستاد مرکزی اربعین | ستاد فرهنگی اربعین | گروه کودک و نوجوان

مولف: گروه فرهنگی تبلیغی هدیه آسمان
طراح و صفحه آرا: سجاد حقیقت

سایت: www.hadyeaseman.ir
ایمیل: info@hadyeaseman.ir

” فهرست نامه :

- | | |
|----------|-----------------------|
| ۳..... | پیشگفتار |
| ۴ | سلام بر حسین |
| ۵ | ماه فروزان |
| ۶ | مسیر بهشت |
| ۷ | آب گوارا |
| ۸ | پیاده روی خاطره انگیز |
| ۹ | جدول کربلا |
| ۱۰ | آداب اربعین |
| ۱۱ | راز دایره ها |
| ۱۲ | آخرین نماز |
| ۱۳ | به هم وصل کن |
| ۱۴ | سجده گاه فرشتگان |
| ۱۵ | موکب مهربانی |
| ۱۶ | من یار حسینم |
| ۱۷ | قدم قدم تا بهشت |
| ۱۸ | در مسیر اربعین |
| ۱۹ | گاردستی |



” پیشگفتار :

نونهالان و نوجوانان حسینی عزیز

سلام

از خداوند بزرگ سلامتی، بهروزی و موفقیت شما مخاطبان و خوانندگان «قدم قدم تا بهشت» را خواهانم.

موسم بزرگ اربعین حسینی، این حماسه همبستگی مردم با امام و راهنما و رهبر الهی شان فرصت مغتنمی است، تا شما نوگلان باغ پرشکوفه حسینی، با فرهنگ والای اهل البیت علیهم السلام آشنا شده و با ارزش های رهایی بخش آنان مانوس شوید.

گروه کودک و نوجوان ستاد فرهنگی اربعین، با این نگاه و هدف، آثار و برنامه های متنوع و متعددی را طراحی، تولید و به اجرا می گذارد. تا گامی در تحقق مسئولیت خویش برای اعتلای این نسل پاک بردارد.

امید است با مطالعه و انجام فعالیت های «قدم قدم تا بهشت» بیش از پیش با مکتب امام حسین علیه السلام آشنایی پیدا کنید.

پیروز و سربلند باشید.

ستاد فرهنگی اربعین





سلام بر حسین

دوستای خوبم سلام. اسم من رقیه است. امسال همراه مامان و بابا و داداش محسن و داداش رضا به راه پیمایی اربعین آمده ایم. خیلی خوش می گذرد. الان عمود ۹۰۹ هستیم. همه جا پر از موبک استراحت و پذیرایی است. چندتا عمود عقب تر یک دختر هم سن و سال خودم که چادر زیبای عربی داشت، با یه سینی پر از شربت از زائر ها پذیرایی می کرد. این جاهم آب خنک می دهند. آخ جون، خیلی می چسبد. آب را که نوشیدم، مامان بهم گفت: دختر خوب و نازم چه قدر خوب است که بعد از نوشیدن آب بگوییم: سلام بر حسین. فوری پرسیدم: چرا مامان مهربونم؟ مامان روپوش کالسکه محسن و رضا را کشید تا آفتاب روی صورتشون نتابد و گفت: دختر عزیزم؛ امام حسین امام سوم ما شیعیان فرزند امام علی و حضرت زهرا بود. امام حسین نوه پیامبر مهربانی ها حضرت محمد بود. پیامبر امام حسین را خیلی دوست داشت. زمانی که امام حسین

کوچک بود و پنج شش سال سن داشت، پیامبر او را روی شانه های خودش می نشانند و می فرمود: هر کس که حسین را دوست داشته باشد خدا او را دوست دارد. دختر خوبم، چندین سال بعد، پس از شهادت امام حسن علیه السلام، امام حسین امام سوم ما شیعیان شد. در آن زمان حاکم ستمگری به نام یزید، حکومت می کرد. یزید به مردم ظلم می کرد. و از امام حسین خواست تا با او همراه شود. اما امام حسین درخواست یزید را رد کرد. به دعوت مردم کوفه به سمت آن شهر حرکت کرد. در نزدیکی شهر کوفه

سپاه یزید جلوی امام حسین را گرفتند. آب را بر او و یارانش بستند. امام حسین و ۷۲ یارش را با لبان تشنه به شهادت رساندند.





ماه فروزان

مربع های مرتبط را که درباره امام حسین است، به یکدیگر وصل کن.

مدینه

برادر

حضرت
عباس

محل
شهادت

امام علی

محل
ولادت

کربلا

پدر





مسیر بهشت



مانند نمونه به هم وصل کن



سربند



عمود

موکب

پاسپورت



چای

پرچم

پیاده روی



پذیرایی

کوله



حرم





آب گوارا

پسر طعان به اطراف نگاه میکرد. همه جا بیابان بود. هوا داغ بود. نفسی کشید.

سربازها دور و دور تر می شدند. ضربه ای به شترش زد. اگر تا ظهر به آب نمی رسید، حتما می مرد. با خود گفت: عاقبت جنگ با پسر پیامبر همین است.

دهانش خشک بود. احساس می کرد بیابان پرآب است. وقتی چشمانش را می مالید، جز شن و خاک چیزی نمی دید. از تنهایی می ترسید. سعی میکرد از سپاه حر عقب نماند.

مهار شترش را تکان داد. از تپه شنی بالا رفت. نور خورشید مستقیم می تابید.

نزدیک ظهر بود. سربازان را دید. احساس کرد صدای آنها را می شنود. دستش را سایبان کرد. باد، صدای آنها را می آورد. خوشحال به نظر می رسیدند. حتما آب یافته بودند. شلاقی به شتر زد. حیوان نمی توانست تند راه برود. جلوتر رفت. با دقت نگاه کرد. چند

خیمه را دید. لبخندی زد. دوستانش فریاد می زدند و خوشحال بودند. بوی آب را حس می کرد. به نزدیک خیمه ها رسید. چند نفر دور مشکلی حلقه زده بودند.



اسبها از تشنگی آب می خوردند. می خواست بگوید من خیلی تشنه ام، ولی نتوانست. نزدیک بود بی هوش شود. دوستانش می خندیدند و آب می نوشیدند. او آخرین نفری بود که رسیده بود.

- شترت را بخوابان.

نگاه کرد: مردی بود که ریش سفید و لباس سفید بلندی به تن داشت.

پسر طعان به سختی مهار را کشید. شتر ناله ای کرد و خوابید. پیاده شد.

- مشک آنجا است، بردار....

مرد، جلو آمد. مشک را برداشت و گره آن را باز کرد. پسر طعان سرش را بلند کرد.

امام، به او کمک کرد تا آب بنوشد.

پسر طعان لبخندی زد. مرد، خیلی مهربان بود. می خواست بفهمد چه کسی است.



کمی دیگر آب خورد. فرمانده شان را دید. حر پیش آمد و گفت: ای پسر رسول خدا اجازه بدهید ما هم با شما نماز بخوانیم.

پسر طعان، تعجب کرد. آنها از قادسیه آمده بودند تا نگذارند حسین به کوفه برود.

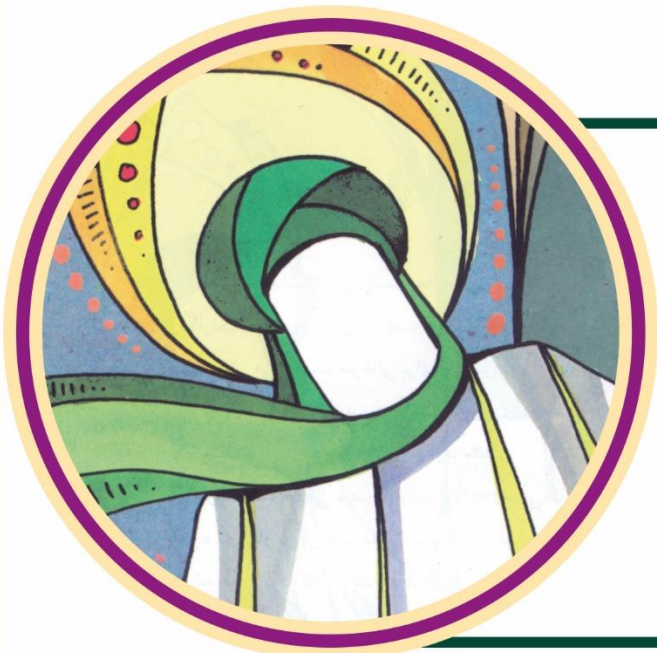
حالا این حسین بود که به او آب داده بود؟

صدای اذان بلند شد. امام به حر گفت که اشکال ندارد.

بعد به طرف یارانش رفت تا نماز بخواند. پسر طعان برخاست و به طرف خیمه ها

رفت؛ اما در فکر بود. اگر حسین و یارانش آب نداشتند، آیا آنها هم با او همین

رفتار را می کردند؟



اسم را پیدا کن!

من چیستم؟

زیارت نامه ای هستیم که با خواندن من امام حسین و دیگر شهدا کربلا را زیارت می کنید. با سلام بر امام حسین آغاز می شوم. امام صادق فرموده اند هر کسی که مرا بخواند، زیارتش مقبول درگاه خدا، دعایش مستجاب و اهل بهشت خواهد شد.

من زیارت هستم.



پیاده روی خاطره انگیز

حسین

سلام دوست خوبم
خاطره زیارت کربلا را برایمان بنویس.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

نخستین پیاده روی اربعین

جابر بن عبدالله انصاری از یاران پیامبر مهربانی ها حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم بود. او در زمان شهادت امام حسین علیه السلام پیرمردی ناتوان و نابینا شده بود که توان یاری و همراهی امام حسین در کربلا را نداشت.

او در چهلمین روز از شهادت امام حسین علیه السلام همراه یکی از دوستانش برای زیارت قبر امام حسین و یارانش به کربلا سفر کرد. وقتی به کربلا رسیدند جابر وارد رودخانه فرات شد و غسل زیارت کرد. سپس خود را خوشبو نموده و به سمت قبر امام حسین علیه السلام حرکت کرد. به هنگام حرکت همواره ذکر می گفت تا آن که همراه دوستش به قبر امام حسین نزدیک شدند.

جابر که پیرمردی نابینا بود از دوستش خواست تا کمکش کند که بتواند دستش را روی قبر امام بگذارد و او را زیارت کند. در همین حال جابر تا دستش به قبر مولایش رسید از هوش رفت.

دوستش آب به صورتش پاشید. و بلند صدایش کرد تا به هوش آید. آن گاه جابر سه مرتبه صدا زد: یا حسین. و سپس مشغول خواندن زیارت امام حسین و یارانش شد.

او با این کار خود راهپیمایی اربعین را پایه گذاری کرد تا ما دهه هشتادی ها و دهه نودی ها پس از ۱۴۰۰ سال در مسیری که او گام گذاشت قدم زده و با هم بخوانیم: کنار قدم های جابر سوی کربلا رهسپاریم ستون های این جاده را ما به شوق حرم می شماریم



جدول کربلا

دوست خوبم به سوالات پاسخ بده و حروف را در خانه های مشخص شده درون جدول بنویس. بعد حروف جدول را سه تا سه تا بشمار تا به پیام جدول بررسی



سوالات

- ۱۱، ۹، ۴، ۵، ۳
- ۶، ۲۴، ۲۶
- ۱۴، ۲۰، ۱۲
- ۱۳، ۱، ۱۵، ۲۳
- ۱۷، ۱۰، ۲، ۸
- ۲۱، ۷
- ۱۸، ۲۵، ۱۶، ۱۹
- ۲۲

- ۱: شهری که امام حسین قیام خود را از آنجا آغاز نمود؟
- ۲: امام حسین برای برپایی آن در جامعه قیام کرد؟
- ۳: دوستدار امام حسین را گویند؟
- ۴: به پا خاستن برای از بین بردن ظلم و ستم؟
- ۵: دشمنی و عداوت
- ۶: سوم شخص مفرد؟
- ۷: بصیرت و آگاهی
- ۸: سی و دومین حرف الفبا فارسی؟

رمز جدول:



آداب اربعین



عطر زدن



صلوات فرستادن



زیارت اربعین



خواندن نماز اول وقت



پوشیدن لباس تمیز



بیزاری جستن از دشمنان



قرائت قرآن



تشکر از پذیرایی خادمان



حروف را مرتب کن

خدایا! به خاطر رفتارهای خوب و شایسته ای که از پدر، مادر، معلم، دوست و آموخته ام از تو تشکر می کنم. آنان به من آموخته اند تا در زندگی برترین الگوی خود را امام حسین قرار دهم و مثل او انسانی:

ا م ن ی
.....

ا خ د ش ن س ا
.....

د ق ص ا
.....

ج ش ع ا
.....

م ن م ظ
.....

م ه ر ب ن ا
.....

ا ب ا ی م ن ا
.....

ا ف د ک ا ر
.....

خ و ش ل ا ق ا خ
.....

ا ی ث ر ا ر گ
.....



و پ ی ر ق ن آ ر
.....

پیاده راه بهشت

همه پای پیاده
به یاد اون سه ساله
راه افتادن تو جاده
سختی راه بر اشون
هیچ معنایی نداره
زیارت شش گوشه
عجب صفایی داره
هر کس رفته زیارت
چه حس و حالی داره
دیگه چیزی نمونده
به اربعین مولا
بگو لبیک حسین جان
بنویس اسم ما را
داریم میریم کربلا
جانمونید بچه ها

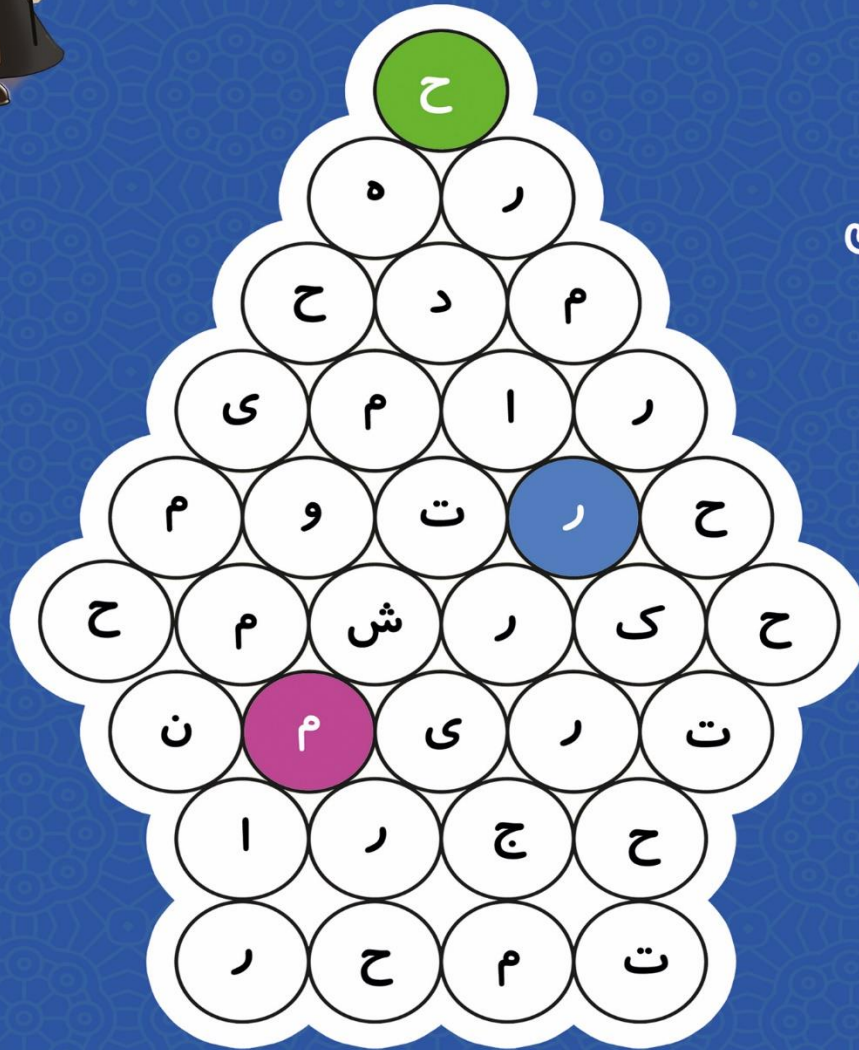


راز دایره ها



حروف ح، ر، م، را مانند الگو رنگ کن
با حروف باقی مانده حدیث را کامل کن

ح: سبز
ر: آبی
م: صورتی



پیامبر فرمودند: امام حسین علیه السلام چراغ است.

آخرین نماز

خدا تو را از نماز گزاران قرار دهد



حرارت خورشید همه جا را پر کرده بود. دو صف در مقابل یکدیگر صف آرایی کرده بودند. حق و باطل، ظالم و مظلوم.

امام حسین و یارانش در محاصره هزاران دشمن خونخوار قرار گرفته بودند. هنگام ظهر شده بود. در این هنگام ابو ثمامه صیداوی چون دید وقت اذان ظهر است، پیش مولایش امام حسین آمد و گفت: دوست دارم که این نماز ظهر را پشت سر شما بخوانم. آنگاه خدا را ملاقات کنم. حضرت رو به آسمان کرده برایش دعا کرد و فرمود: خداوند تو را از نماز گزاران قرار دهد. سپس فرمود: از آنها بخواهید تا لحظاتی دست از جنگ بردارند تا ما نماز بگزاریم.





به هم وصل کن

کودک دلبندم

تصویر رو به سایه اش وصل کن!



۱



۲



۳



۴



۵

۱



ب



ج



د



ه





سجده گاه فرشتگان



می خواهیم با مسجدی که تصویرش را می بینید، آشنا شویم. با حروف هر گلبگ کلمه مناسبی ساخته و در شماره مرتبط در کادر زیر قرار دهید.



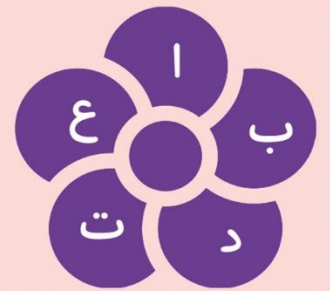
۴



۳



۲



۱

این مسجد محل ۱- ۲- ۳- ۴-
امام علی علیه السلام بوده است.



موكب مهربانی

با صدای اذان ظهر از خواب پریدم. هوا خیلی گرم شده بود. آن قدر گرم که کولر کوچک گوشه موبک زورش به گرما نمی رسید. آفتاب از لابه لای شیار های سقف روی صورتم می تابید. چشم هایم را باز و بسته کردم. از جا بلند شدم. مامان گفت: سلام مریم خانوم. خوب شد پاشدی. وقت نماز است. همراه مامان به وضو خانه رفتیم، وضو گرفتیم و برای نماز به موبک برگشتیم.

خادم موبک خانمی مهربان بود. با دیدن مهمان نوازی و مهربانی اش یاد خانه مادر بزرگ افتادم. با کمک او وسایلمان را کمی جمع و جور کردیم تا صف های نماز جماعت تشکیل شود.

نماز خواندیم. هنوز سر صف نماز نشسته بودیم که پیرزن مهربان سفره ناهار را پهن کرد.

مامان دستی روی سرم کشید، از جا برخاست تا به ام داوود کمک کند. او که در دستانش دو ظرف پر از سبزی های تازه بود، با دیدن مامان به او اشاره کرد که همه کار ها را خودش انجام می دهد.

بعد از آن که بشقاب های سبزی را روی سفره چید، دو دستش را روی سرش گذاشت و گفت: تاج راسی اهلا و سهلا بزوار ابوسجاد. ام داوود رفت تا ظرف های غذا را بیاورد. من درگوش مامان گفتم: ام داوود چه گفت؟ مامان گفت: می گوید شما زائران امام حسین تاج سر من هستید، خیلی خیلی خوش آمدید.





من یار حسینم



سلام بر حسین

داود رقی می گوید: روزی نزد امام صادق بودم، ایشان مشغول نوشیدن آب شدند. در این هنگام دیدم که چشمان حضرت پر از اشک شد. سپس به من فرمودند: ای داود، بنده ای نیست که آب نوشیده و امام حسین را یاد نماید، مگر آنکه خداوند صد هزار پاداش برای او می نویسد. و در روز قیامت او را با قلبی آرام و مطمئن محشور می کند.

رنگ آمیزی





قدم قدم تا بهشت



۱
۲
۳
۴
۵

شیوه حل جدول

سوالات

- سوالات را پاسخ داده، حروف پاسخ ها را در جدول قرار دهید.
- ۱: کلمه ای به معنای رانش زمین، نام نود و نهمین سوره قرآن
- ۲: کلمه ای به معنای رستاخیز، نام هفتاد و پنجمین سوره قرآن
- ۳: کلمه ای به معنای زیانکاری، نام شصت و چهارمین سوره قرآن
- ۴: کلمه ای به معنای نردبان ها، درجات، نام هفتاد و دومین سوره قرآن
- ۵: کلمه ای به معنای فرشتگان صف کشیده، نام سی و هفتمین سوره قرآن
- برای به دست آوردن رمز جدول، حروف خانه های سبز رنگ را کنار هم بنویسید.
- پیام یک کلمه پنج حرفی، از وظایف شیعیان نسبت به امامان علیهم السلام است.

رمز جدول:

در مسیر اربعین



رود ها و نخل ها	روی خاک بی قرار	قطره قطره می رویم
آسمان ها و زمین	غنچه ی لبخند را	سمت دریایی بزرگ
پا به پامان می دوند	در پناه آفتاب	در مسیری سبز و سرخ
در مسیر اربعین	یک به یک جا می شویم	رو به دریایی بزرگ
	با نسیم یا حسین	می رویم و می کشیم
	مثل گل وا می شویم	نقشه ی پیوند را

کودک را به حرم برسان

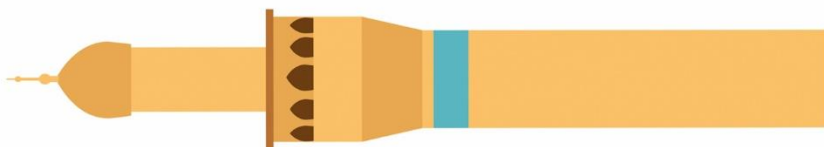
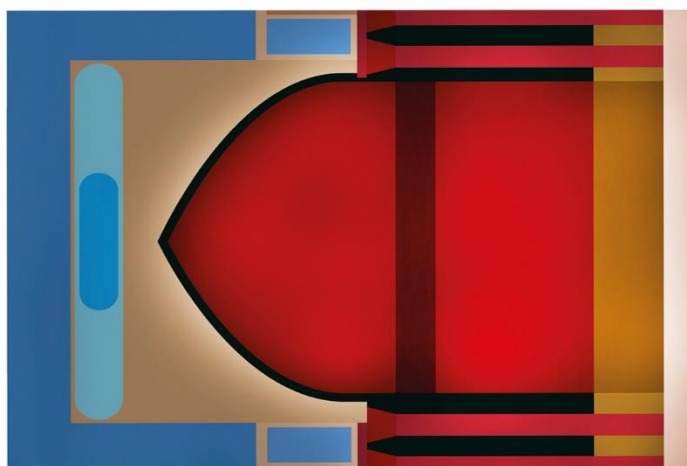
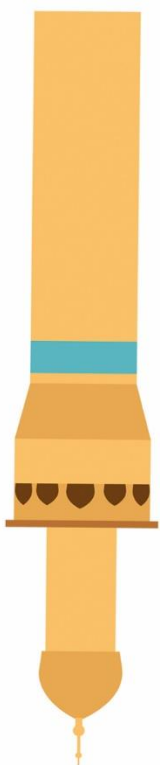
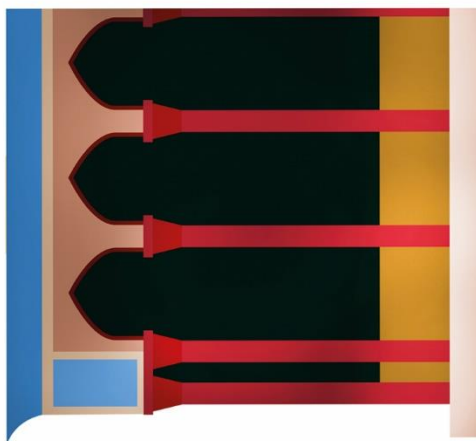
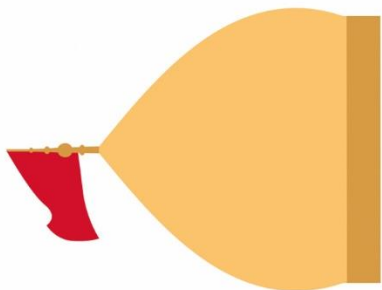
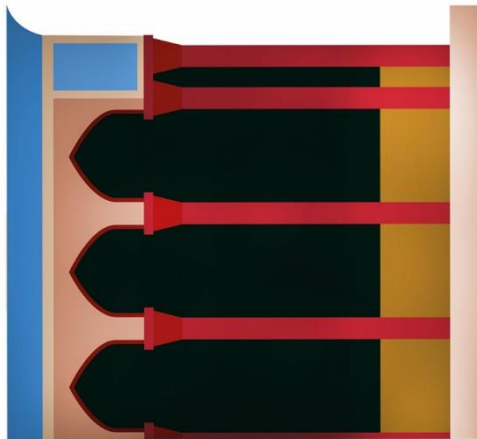
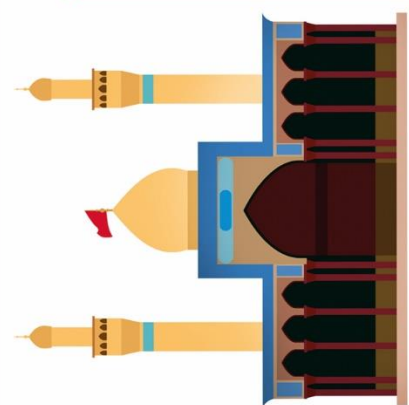


لیک یا حسین





کاردستی



اشکال به دست آمده
را به هم بچسبان



۲

دور اشکال را ببر



۱

ببر و بچسبان



السلام عليكم يا ابا عبد الله السلام

السلام عليكم

السلام على حسين
عليه السلام
عبد الوارث الحسيني

يا ابا عبد الله السلام
عليك يا حسين
عليه السلام

يا ابا عبد الله السلام
عليك يا حسين
عليه السلام

يا ابا عبد الله السلام
عليك يا حسين
عليه السلام